Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 2, Summer 2024, 135-158
DOI: 10.21859/priw-140206

Pathology and requirements for implementing Article 27 of the Constitution as one of the tools of people's political participation in the Islamic Republic of Iran

Sakineh sadat Pad[1], Hojatolah Ebrahimian[2], Seyedmohammad Hoseini[3]

Date of Received: 2024/04/05 **Date of Acceptance**:2024/06/15

Abstract

Although Article 27 of the Constitution is known as one of the short and less restrictive principles, due to the importance and special position of the implementation of this principle, the conceptual explanation as well as the principles governing this principle are one of the challenges in formulating a suitable law for it. On the other hand, the laws that have been passed in this regard in a haphazard manner have not been able to confront the challenges that exist in the way of implementing the said principle due to the lack of richness they have had. Due to the lack of specific laws and regulations for this principle, there are no indicators and statistics within the scope of the two legal restrictions contained in it that would help the government in governance in terms of regulation so that it can fulfill the legal duty of the public law authority in fulfilling its obligation to guarantee and respect public and legitimate freedoms and have a complete and successful track record. On the other hand, public rights and freedoms have been narrowed. Therefore, the rights of both

1. PhD student, Department of Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University. Qom, Iran , sarasaadatpad@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.(Responsible author) hojjat49@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Iran. hoseini.sm@ut.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

parties, the public law authority and the beneficiary of the law and the applicant to exercise the right to object, have not been respected. The engineering and linear approach to the principles of the Constitution, minus the attention to the macro approach of the basic legislator and the lack of attention to the basic principles of the Constitution, has prevented the proper implementation of the Constitution. According to Article 113 of the Constitution, the President is responsible for implementing the Constitution, and the implementation of Article 27 requires legislation in terms of regulation and expansion of the extensive public freedoms under it. And certainly, legislation must be such that, while maintaining the system of legitimate restrictions, it does not distort the principle of freedom of assembly, and the law is a chapter on speech, and public freedoms are not violated under arbitrary interpretations under the pretext of legal restrictions.

Keywords: Article 27 of the Constitution, holding assemblies, political participation of citizens, social rights and freedoms.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، صص ۱۵۸ – ۱۳۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۶

آسیب شناسی والزامات اجرایی سازی اصل ۲۷ قانون اساسی به عنوان یکی از ابزارهای مشارکت سیاسی مردم در جمهوری اسلامی ایران

سکینه السادات پاد[۱]
حجت الله ابراهیمیان[۲]
سیدمحمد حسینی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

چکیده

اصل ۲۷ قانون اساسی اگرچه به‌عنوان یکی از اصول کوتاه و کم قیود شناخته می‌شود لکن به سبب اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که اجرای این اصل دارد، تبیین مفهومی و همچنین اصول حاکم بر این اصل یکی از چالش‌های تدوین قانون مطلوب برای آن می‌باشد و از همین سو نیز قوانینی که در این باره به‌صورت جسته‌وگریخته تصویب گردیده‌اند به دلیل کاستی در غنایی که داشته‌اند توان مقابله با چالش‌های موجود بر سر راه اجرایی‌سازی اصل مزبور را نداشته‌اند. به دلیل فقدانِ قانون ومقررات ویژه این اصل، در قلمرو دو تحدید قانونی مندرج در آن شاخص و احصایی وجود ندارد که هم از باب تنظیم گری به حاکمیت در حکمرانی کمک کند تا بتواند به وظیفه قانونی مقام حقوق عمومی در ایفای به تعهد مبنی بر تضمین واحترام به آزادی‌های عمومی و مشروع عمل کند و کارنامه کامل وموفقی داشته باشد و از سوی دیگر حقوق وآزادیهای عمومی مضیق شده است. بنابراین حقوق دو ضلع هم مقام حقوق عمومی وهم ذی‌نفع قلمرو قانون و درخواست‌کننده اعمال حق اعتراض رعایت نشده است. نگاه مهندسی وخطی به اصول قانون اساسی منهای توجه به رویکرد کلان مقنن اساسی و عدم توجه به اصول پایه‌ای قانون اساسی مانع از اجرای صحیح قانون اساسی شده است، رئیس جمهور مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسوول اجرای قانون اساسی است و اجرای اصل ۲۷ از حیث تنظیم گری و تسری آزادی‌های عمومی موسع ذیل آن مستلزم تقنین است و یقینا تقنین نیز باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ نظام تحدیدات مشروع اصل آزادی تجمعات را مخدوش نکند و قانون فصل‌الخطاب باشد و آزادی‌های عمومی به بهانه تحدیدات قانونی، تحت تفسیرهای سلیقه‌ای مورد تعرض واقع نشود.

واژه‌های کلیدی: اصل ۲۷ قانون اساسی، برپایی تجمعات، مشارکت سیاسی شهروندان، حقوق و آزادی‌های اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری،گروه حقوق عمومی،واحدقم، دانشگاه آزاد اسلامی.قم،ایران ، sarasaadatpad@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق عمومی ،واحد قم،دانشگاه آزاد اسلامی ،قم،ایران.(نویسنده مسئول) hojjat49@gmail.com
۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران،ایران. hoseini.sm@ut.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

مقدمه:

حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به‌ویژه حق برپایی اجتماعات لازمه و ضرورت بلوغ و توسعه و رشد همه‌جانبه در جامعه اسلامی است که معتقد به نقش‌آفرینی مردم است. رویکرد حاکم بر این اصل رویکرد ناظر به حکمرانی مردم پایه و مطلوب مطابق شاخص‌های حقوقی اسلام که هم راستا با فطرت و حقوق طبیعی است می‌باشد؛ بنابراین شناسایی این حق در قانون اساسی اعتقادی و از عناصر مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود. حق برپایی تجمعات از جمله حقوق قطعی و مسلمی هستند که همه اندیشمندان و صاحب‌نظران در خصوص اصل به‌رسمیت‌شناختن آن اتفاق‌نظر دارند و کمتر شخصی را می‌توان یافت که با اساس این حق مخالفت داشته باشد؛ چنان‌که به این اصل در «ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر» و به‌نوعی در «ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر» نیز اشاره شده است. بااین‌حال نحوه اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی و نیل به شیوه‌ای که از این حق به‌صورت مطلوب حمایت کند یکی از چالش‌های نظام حکمرانی به شمار می‌آید.

حق برپایی اجتماعات و اعتراضات در نظام حقوقی ایران به‌موجب دو قانون الزام‌آور تلقی می‌شوند. نخست بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی بیان شده است که «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به‌شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» و همچنین بر اساس ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد مقرر گردیده که «حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.» با تأمل در دو مقرره فوق به‌خوبی دریافته می‌شود که حق برپایی اجتماعات در نظام حقوقی ایران به نحو متعالی‌تری نسبت به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است؛ چراکه در قانون اساسی ایران برخلاف میثاق فوق‌الذکر، برپایی اجتماعات مقید به قید «مسالمت‌آمیز بودن» نگردیده است و حتی در مجلس تصویب قانون اساسی با مقیدسازی این حق با قیدی چون مسالمت‌آمیز بودن نیز مخالفت‌های جدی ای صورت‌گرفته است که این موضوع به‌خوبی بیانگر دیدگاه روشن قانون اساسی منتج از فقه امامیه است.

مع‌الوصف علی‌رغم اساسی‌سازی حق برپایی تجمعات در قانون اساسی - در ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۵۸ و درحالی‌که از انقلاب اسلامی مردم ایران کمتر از یک سال گذشته بود - تاکنون در اجرا تجربه موفقی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نداشته است و این در حالی است که تامل در سیر حوادث و رویدادهای سیاسی به وقوع پیوسته در دهه‌های اخیر در نظام جمهوری اسلامی ایران گواه این موضوع است که اجرای صحیح و ساختارمند اصل ۲۷ قانون اساسی می‌توانست تا حد بسیار زیادی از ابعاد مصائب حادث شده بکاهد.

تأخیر در اجرای کامل و ساختارمند اصل ۲۷ قانون اساسی سبب اخلال در جلب رضایت‌مندی شهروندان – به‌عنوان شاخص مهم در ارزیابی کیفیت حکمرانی - گردیده است و از همین روی پژوهش حاضر ضمن اتکا بر پژوهش‌های پیشین در این عرصه - که اگرچه وجه مشترک همه آنها تأیید مترقی بودن اصل مطابق اسناد بین‌المللی و حقوق بشر اسلامی است لکن به یک راهکار علمی و عملی دراین‌خصوص منجر نشده‌اند – و با تمسک به رویکرد کاربردی – که مبتنی بر جلسات حضوری و غیرحضوری با بیش از دویست نفر از حقوق‌دانان و کنشگران مرتبط و متخصص در این موضوع است – درصدد شناسایی راهبردهای حل این مسئله و ترسیم چگونگی اجرای کامل این اصل می‌باشد و به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که «اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی مستلزم چه الزاماتی بوده و با چه چالش‌های مواجه می‌باشد؟» دستیابی به پرسش این سؤال اصلی مستلزم آن است که در ابتدا خوانش جدیدی از اصل ۲۷ قانون اساسی - که منطبق با واقعیت‌های تصویب این اصل باشد - ارائه گردد و پس از آن ضمن شناسایی چالش‌ها و الزامات به موازنه‌ای جهت اجرای این اصل دست‌یافت.

۱. خوانشی از اصل ۲۷ قانون اساسی

به‌منظور دستیابی به یک نقشه راه در موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی، در گام نخست بایستی مفاهیم و قیود اصل ۲۷ قانون اساسی موردتوجه قرار گیرد تا در پرتو این مهم بتوان قرائت صحیحی که در انطباق با واقعیت‌های کنونی جامعه بوده و انتظارات جامعه را براورده سازد، ارائه نمود و در کنار این هدف، به رفع موانع اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی - که بسیار حائز اهمیت می‌باشد - پرداخت چراکه تحقق واقعی حق برپایی تجمعات به تقویت سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی کشور منتهی گردیده و به مسئولین و تصمیم سازان این فرصت را می دهد که از قوه اندیشه شهروندان در اصلاح امور به نحو شایسته‌ای استفاده کنند و بدیهی است که این امر ماحصلی جز ارتقا نظام حکمرانی کشور نخواهد داشت.

در خصوص اصل ۲۷ قانون اساسی چندین پرسش مهم مطرح می‌باشد؛ نخست آنکه آیا برپایی تجمعات را بایستی از سنخ «حق» دانست یا آنکه جزء «آزادی‌های اجتماعی» است؟ در بررسی سنجه حق بودن برپایی تجمعات این ابهام بوجود می‌آید که آیا دامنه آن را بایستی صرفاً یک حق برای شهروندان دانست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

یا آنکه ممکن است به‌عنوان یک حق برای نظام حکمرانی نیز تعریف شود؟ پرسش دوم آن است که برپایی تجمعات آیا به منزله حقوق و آزادی‌های فردی است یا بایستی آن را ناظر بر حقوق و آزادی های جمعی تفسیر نمود؟ سومین پرسش نیز آن است که برپایی تجمعات آیا از سنخ حقوق بشر بوده یا یک حق شهروندی است و نهایتا آن که برپایی تجمعات آیا منوط به قیودی چون مسالمت‌آمیز بودن است یا آنکه دارای اطلاق بوده و در هرحال مورد حمایت قانون‌گذار می‌باشد؟ در این بخش از پژوهش حاضر پرسش های فوق‌الذکر مورد تامل قرار گرفته و سعی می‌گردد تا تفسیر صریح و صحیحی از اصل ۲۷ قانون اساسی ارائه شود.

۱-۱. برپایی تجمعات؛ حق، آزادی یا تکلیف؟

یکی از چالش‌های مهم در موضوع برپایی تجمعات آن است که آیا شهروندان «حق» برپایی تجمعات را دارند یا آنکه ماهیت برپایی تجمعات را بایستی از سنخ «آزادی‌های اجتماعی» تفسیر نمود؟ درصورتی‌که برپایی تجمعات از سنخ «آزادی‌های اجتماعی» باشد تفسیر این موضوع بدان معنی است که انسان‌ها به طور طبیعی آزاد هستند و تنها در مواردی که عرف یا قانون محدودیت‌هایی را برای این آزادی در نظر بگیرد می‌توان آن را مضیق نمود. به باور برخی از اساتید و اندیشمندان برپایی تجمعات ماهیت دوگانه‌ای دارد و برای صیانت از آزادی‌های اجتماعی بایستی آزادی‌ها را به‌نوعی از حقوق تفسیر نمود و ازاین‌رو برپایی تجمعات اگرچه یک آزادی است لکن به دلیل حق محور بودن حقوق بشر بین‌الملل بایستی آن را از حقوق ملت به شمار آورد که بایستی از دولت‌ها مطالبه شده و از آن در برابر قدرت دولت‌ها محافظت به عمل آید.[۱]

حق مشارکت مردم در امور کشور به‌عنوان یکی از حقوق مدنی و سیاسی شهروندان شناخته می‌شود و این حق در اصول مختلفی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است؛ ازاین‌رو ازجمله لزومات حق مشارکت مردم در امور کشور پذیرش گرایش ها و سلایق مختلف فکری و سیاسی در جامعه و شنیدن و استفاده نمودن از این نظرات مختلف می‌باشد و شهروندان بایستی بتوانند نظرات خود را به راحت ترین روش به گوش نظام حکمرانی کشور برسانند. یکی از ابزارهای تحقق این حق همانا حق برپایی تجمعات توسط شهروندان است به‌گونه‌ای که ایشان به طور مستقیم امکان بیان خواسته ها ومطالباتشان را داشته باشند و در این راه ملزم به طی نمودن فرایندهای پیچیده و افتادن در دام بروکراسی نشوند.[۲]

۱. اسلامی، رضا؛ کمالوند، محمدمهدی (۱۴۰۱)، آزادی اجتماعات در نظام حقوق بشر و سیستم حقوق ایران، تهران، نشرمجد، ص ۵۴.

۲. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، ص ۲۱۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

حق برپایی تجمعات در کُنه خود صرفاً به دنبال تشکیل یک گروه انسانی به‌منظور بیان خواسته‌های این گروه نمی‌باشد؛ بلکه هدف اصلی و غایی از برپایی تجمعات بیان ایده‌هایی در جهت بهبود و ارتقا عملکرد نظام حکمرانی کشور می‌باشد و از همین رو تجمعات علاوه بر آنکه متضمن نیازها و خواسته‌های شهروندان است بایستی بیان دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های شهروندان در موضوعات مختلف نیز باشد. بنا بر اندیشه فوق حق برپایی تجمعات به‌مثابه حق متقابل دولت و ملت تفسیر می‌شود و شهروندان گاهی از باب انجام تکالیف و مسئولیت‌هایی که در مقابل نظام حکمرانی دارند مکلف هستند تا نسبت به برپایی تجمعات اقدام نمایند. مفهوم سیاسی اسلامی النصیحه للائمه المسلمین از عناصر گفتمانی حکمرانی اسلامی است و خیرخواهی مردم برای حکومت را تا زمانی معتبر می‌داند که با رغبت و شوق پیرامون زمامدار را بگیرند و تا وقتی که مردم خواهان اعمال حق اعتراض خود هستند؛ یعنی همین رغبت و شوقی که حضرت آن را به‌عنوان شرط خیرخواهی می‌دانند و لذا تعبیه بستر قانونی آن ناشی از حکمت در حکمرانی است د در ادامه فقدان آن را سبب جایگزین‌شدن تصنع چاپلوسان به‌جای خیراندیشی ناصحان می‌دانند. بر مبنای همین آموزه علوی، عدم اجرای دقیق و کامل اصل ۲۷ تا کنون هم حقوق ملت را و هم حقوق حاکمیت را نقض کرده است. بر مبنای این اندیشه، اگر مردم شاهد بروز خطایی در نظام حکمرانی باشند موظف هستند که نسبت به اصلاح این خطاها حساس بوده و مطالبه‌گری نمایند تا از این طریق به استقرار و ثبات نظام حکمرانی به نحو شایسته‌ای کمک نمایند. بر مبنای دیدگاه فوق، موضوع این اصل تشکیل اجتماعات پایدار نیست؛ بلکه مقصود آن اجتماعی موقت برای دستیابی به هدف مشترک اجتماع‌کنندگان است، مکانیسمی برای تعامل نقادانه و هشدار گونه شهروندان با حکمرانان است و می‌توان آن را وجهی از مشارکت مدنی و سیاسی مردم در حکمرانی نیز تلقی کرد؛ بنابراین بستری برای محقق‌شدن سایر حقوق شهروندی می‌باشد[1] و ازاین‌رو اصل ۲۷ قانون اساسی (حق برپایی تجمعات) به‌سان ابزاری در جهت تحقق اصل ۸ قانون اساسی می‌باشد؛ چراکه بر اساس اصل هشتم امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است و مردم با استفاده از این ظرفیت که در اصل ۲۷ جاری گشته است می‌توانند وظیفه‌ی خود مبنی بر امربه‌معروف دولت را محقق سازند و این موضوع سبب می‌گردد تا اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی واجد اهمیت مضاعفی باشد.

۱-۲. برپایی تجمعات؛ حقوق بشر یا حقوق شهروندی؟

در ماهیت‌شناسی حق برپایی تجمعات و این موضوع که آیا این حق از سنخ حقوق شهروندی می‌باشد یا آنکه از سنخ حقوق بشر به شمار می‌آید اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. به عقیده برخی از اندیشمندان حق

۱. هاشمی، سیدمحمد (۱۴۰۰)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشرمیزان، ص۴۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

برپایی تجمعات از جمله حقوق انسانی به شمار می‌آید که شهروندان درهرحال از این حق برخوردار بوده و دولت‌ها مکلف به تأمین و محقق ساختن این حق هستند. در طرف دیگر برخی از اندیشمندان بر این باور هستند که حق برپایی تجمعات را بایستی از سنخ حقوق شهروندی به شمار آورد و چنانچه شهروندان اقدام به قبول تکالیف شهروندی نمودند و در راستای انجام این تکالیف گام برداشتند آنگاه دولت مکلف است که در ما به ازاء این مهم، به شهروندان حقوقی همچون حق برپایی تجمعات را اعطا نماید[1] هرچند که برخی دیگر از قائلان به این نظریه بر این باور هستند که بهره‌مندی شهروندان از حقوق شهروندی منوط به انجام تکالیف شهروندی نمی‌باشد و حقوق نظام حکمرانی مقدم بر حقوق ملت نیست؛ بلکه حق شهروندان و همچنین عمل نمودن حاکمان بر موازین شرعی است که تکلیف انجام وظایف شهروندی را برای شهروندان پدید می‌آورد.[2]

۱-۳. برپایی تجمعات؛ مطالبه فردی یا گروهی؟

شناسایی جمعی یا فردی بودن حق برپایی تجمعات از آن حیث حائز اهمیت است که در پرتو آن تبیین می‌شود که آیا هر فردی می‌تواند مطالبه‌گر برپایی یک تجمع باشد یا آنکه مطالبه‌گری تجمعات نیز بایستی به‌صورت گروهی صورت پذیرد؟ در خصوص نحوه برپایی تجمعات بدیهی است که نفس برپایی یک تجمع را نمی‌توان از حقوق فردی به شمار آورد؛ بلکه تشکیل و تجلی یک تجمع مستلزم حضور و سازماندهی یک گروه از افراد می‌باشد لکن در خصوص مطالبه‌گری برپایی یک تجمع به نظر می‌رسد که منعی در خصوص مطالبه‌ی برپایی تجمع توسط یک فرد وجود نداشته باشد و تک‌تک افراد یک جامعه حق مطالبه برپایی یک اجتماع را برخوردار باشند[3] لکن بدیهی است که در مقام اعمال - و نه مطالبه - این حق بایستی این حق در یک جمع و گروه متجلی شود و ازاین‌رو حق برپایی تجمعات در مقام مطالبه‌گری را بایستی یک حق فردی و در مقام اعمال حق بایستی به‌عنوان یک حق جمعی به شمار آورد.

۱-۴. برپایی تجمعات؛ مسالمت‌آمیز یا مطلق؟

در موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی همواره این پرسش مطرح می‌باشد که آیا مقصود از حق برپایی تجمعات، برپایی تجمعات مقید به قید مسالمت‌آمیز بودن است یا خیر؟ بنا بر اندیشه برخی از صاحب‌نظران ضرورت مسالمت‌آمیز بودن برپایی تجمعات اگرچه به‌صورت صریح در اصل ۲۷ قانون

۱. مستفاد از مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی» (این نشست ها با حضور بیش از ۵۰ استاد و اندیشمند در حوزه حقوق و علوم انسانی توسط دستیار رئیس جمهور درپیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی در سال ۱۴۰۲ برگزار گردید.)

۲. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۹.

۳. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، نشر شهردانش، ص ۵۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اساسی مورد اشاره قرار نگرفته است لکن از قیودی چون «ممنوعیت حمل سلاح» و«عدم اخلال به مبانی اسلام» می‌توان مفهوم لزوم مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات را دریافت[1] و بدیهی است که در این وضعیت بایستی از تسری مفهوم مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات به مفهوم عدم بیان اعتراض در اجتماعات خودداری نمود چراکه در غیر این صورت هرگونه اجتماع اعتراضی به یک اجتماع غیر مسالمت‌آمیز تفسیر شده و این مسئله سبب می‌گردد تا نظام حکمرانی کشور از ظرفیت‌های مشورتی شهروندان در انتقال ضعف ها محروم شود لذا تمیز مفهوم مسالمت‌آمیز و غیر اعتراض بودن تجمعات امری ضروری است که باید به آن توجه ویژه‌ای صورت پذیرد. در موضوع مانحن‌فیه باید بررسی شود که گسترده تجمعات مسالمت‌آمیز چیست و محدودیت‌های ناظر بر مردم و یا دولت چیست؟ در موضوع حق برپایی برخی از اندیشمندان با استناد به مشروح مذاکرات قانون اساسی بر این باور هستند که مقیدسازی برپایی تجمع به تجمع مسالمت‌آمیز برخلاف نیت مصوبان و قانون‌گذار بوده و بایستی از اضافه نمودن قیود مختلف به این اصل خودداری شود و ازاین‌رو در برپایی اجتماعات اصل بر آن است که اعتراضات و تجمعات اساساً «مسالمت‌آمیز» است و مقام قانونی بایستی در خصوص آنکه چرا تجمعات دچار خشونت شده است، به اقامه دلیل بپردازد و به همین منظور مقیدسازی برپایی تجمعات به مفهوم مسالمت‌آمیز بودن چندان صحیح نمی‌باشد و در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نیز با این قید مخالفت شده است.[2]

موضوع مطلق یا مشروط بدون حق برپایی اجتماعات یکی از موضوعاتی است که در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نیز موردبحث قرار گرفته است و اندیشه حاکم آن بوده است که حق برپایی اجتماعات یک حق مطلق است و این حق و به‌هیچ‌وجه با عناوین و احکام ثانویه محدود نمی‌شود و تحت هیچ شرایطی نباید از مردم سلب شود. این حق در اسلام حتی در شرایط جنگی هم محدود نمی‌شود. لکن چنانچه در مشروح مذاکرات قانون اساسی نیز بدان اشاره شده است به‌منظور تحقق و مراقبت بیشتر در حفظ عقاید و پایه‌های فکری و اعتقادی و امنیت بایستی محدودیت‌هایی وجود داشته باشد لکن این محدودیت‌ها نباید به میزانی گسترش پیدا کند که اصل حق برپایی تجمع نادیده گرفته شود و اصل ۲۷ قانون اساسی به‌عنوان یک اصل ممنوعه شناخته شود؛ بلکه وضع این محدودیت‌ها صرفاً در حدی قابل‌قبول و قابل‌دفاع است که ناظر بر برگزاری بهتر و ایمن تجمعات باشد و در مقام صیانت از تجمع‌کنندگان و حقوق شهروندان باشد تا در پرتو این محدودیت‌ها بتوان حق برپایی تجمع را به نحو مطلوبی تأمین نمود.

۱. خلخالی، فرید (۱۳۸۳)، نظام عمومی و آزادی تجمع و تشکل، نشریه حقوق اساسی، دوره (۲)، ص ۵۳.

۲. مستفاد از مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی»

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

۲. چالش‌ها اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی

همزمان با گام دوم انقلاب اسلامی، بررسی و ارزیابی تحقق اهداف متصوره در گام نخست انقلاب امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ازجمله مفاهیم متعالی و مهمی که در قانون اساسی مندرج می‌باشد، حق برپایی اجتماعات است که بایستی در خصوص میزان تحقق آن و موانع و چالش‌های موجود بر سر راه آن در گام نخست تحقیق و تفحص صورت پذیرد تا در رهرو آن بتوان میزان تحقق موفقت آمیز اصل ۲۷ قانون اساسی را تبیین نمود. علاوه بر این مهم، در ماده ۴۶ منشور حقوق شهروندی سال ۱۳۹۵ نیز موضوع قانون‌گذاری و همچنین اجرای قوانین و مقررات موجود در عرصه حق برپایی اجتماعات مجدداً مورد تأکید قرار گرفت لکن تاکنون کشور در این موضوع نه‌تنها با خلأ قانونی مواجه می‌باشد که حتی قوانینی که به‌صورت پراکنده نیز دراین‌خصوص موجود می‌باشد چندان عملیاتی نگشته‌اند. تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی فارغ از صعوبت هایی که در مبانی نظری و اندیشه ای با آن مواجه می‌باشد در مرحله اجرایی‌سازی نیز چالش هایی را پیش روی خود می بیند که در صورت عدم توجه و عدم پاسخ دهی مناسب و شایسته به آن‌ها، اجرایی‌سازی این اصل به‌راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود. از همین رو در ابتدا بایستی چالش هایی که از نظر اساتید و اندیشمندان در طی دهه‌های اخیر مانع از اجرای حق برپایی تجمعات به نحو شایسته گشته اند را شناخت و پس از آن باتوجه‌به شرایط حاکم بر جامعه و همچنین مطالباتی که شهروندان دارند نسبت به ارائه پاسخ مناسب برای این چالش‌ها اقدام نمود تا در رهگذر این مهم طرح‌ها و یا لوایح پیشنهادی در خصوص اصل ۲۷ قانون اساسی به نحو شایسته‌ای سامان یابند.

۲-۱. مجمل و مبهم بودن اصل ۲۷ قانون اساسی

در موضوع تقنین پیرامون اصل ۲۷ قانون اساسی بایستی عنایت داشت که موضوع خالص سازی مفهومی این اصل امری ضروری قلمداد می‌شود و بایستی حدود و ثغور مفاهیم و قیود موجود در اصل ۲۷ قانون اساسی و ارتباط مفهوم حق برپایی تجمعات با سایر مفاهیم مشابه موجود در نظام ادبی حقوق سیاسی تبیین شود چراکه یکی از چالش هایی که برپایی تجمعات با آن مواجه می‌باشد اختلاط مفهومی آن با سایر مفاهیم مشابه است و عدم تبیین مفاهیم و قیود موجود به شیوه‌ای منجز سبب گردیده تا مرز مشخصی میان این مفهوم و مفاهیم مشابه در مقام اجرا وجود نداشته باشد. از همین رو بایستی مرزهای مفهومی حق برپایی تجمعات به نحو مشخصی تبیین گردید.

یکی از چالش‌های پیش رو در موضوع اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی تفسیر قیود موجود در این اصل است. با وجود اعتقاد و باور واقعی نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر به‌رسمیت‌شناختن حق

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اعتراض، تا کنون مقام‌های صالح قانونی برای اخذ استفساریه از شورای نگهبان برای حدود و ثغور اصل ۲۷ اقدامی انجام نداده‌اند[1] این در حالی‌ست مطالبات مردمی مبنی بر رسمیت قانونی اعتراض در دوره‌های مختلف وجود داشته است و مقنن اساسی هم برای حسن اجرای قوانین مقام صالح تعیین کرده است و بر همین اساس، اجمال در تعریف و عدم ارائه تفسیر از این اصل سبب گردیده تا تفسیرهای مختلفی از مفاهیمی چون «اخلال»، «مبانی اسلام» و «حمل سلاح» صورت پذیرد به‌نحوی‌که اکنون مشخص نیست که دایره تبیین‌کننده اخلال چیست و تجمعات در کدام صورت اخلال آمیز خواهند بود؟ علاوه بر این همچنین مشخص نمی‌باشد که مقصود از مبانی اسلام آیا دربردارنده ضروریات مذهب است یا آنکه ضروریات دین را مقصود دارد. همچنین مشخص نمی‌باشد که آیا مبانی اسلام را بایستی به اصول اعتقادی تفسیر نمود؟ در خصوص مفهوم حمل سلاح نیز ابهامات به‌راحتی قابل‌تفسیر نمی‌باشد؛ چنان‌که مشخص نیست آیا صرف به‌همراه‌داشتن یک سلاح - اعم از گرم یا سرد - توسط یکی یا بخش اقل یک تجمع سبب می‌گردد تجمع مسلحانه باشد یا آنکه مفهوم حمل سلاح را بایستی به استفاده اکثریت از سلاح تفسیر نمود؟ این مسائل سبب گردیده تا تفسیر اصل ۲۷ به‌آسانی امکان‌پذیر نباشد و از همین رو ارائه تفسیر جامع از اصل مزبور امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.[2]

مسئله قیدهای ناظر بر حق برپایی تجمعات از جمله مسائل بسیار مهمی می‌باشد که همواره نسبت به آن اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد. برخی از اندیشمندان بر این باور هستند که اصل ۲۷ قانون اساسی بایستی صرفاً با قیود مصرح در همان اصل به‌صورت مضیق محدود شود و قانون‌گذار در مقام تصویب قانون جامع مرتبط با این اصل نیز بایستی از اضافه نمودن قیدهای متعدد خودداری کند؛ چراکه در غیر این صورت مرتکب نقض غرض مقننین شده است. در طرف مقابل برخی دیگر از اندیشمندان بر این باور هستند که حق برپایی تجمعات را بایستی باتوجه‌به سایر اصول قانون اساسی همچون اصل ۹ و اصل ۴۰ تفسیر نمود و عدم بیان قیودی که در سایر اصل‌ها بیان گشته مانع از اجرای این قیود نسبت به اصل ۲۷ قانون اساسی نمی‌باشد و از همین رو برپایی تجمعات نبایستی به استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور خلل وارد نماید؛ چراکه به این قیود مهم و حساس در سایر اصول قانون اساسی اشاره شده است و تفسیر اصل مزبور نیز بایستی باتوجه‌به سایر اصول صورت گیرد.

۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، انتشارات شورای نگهبان، ص ۶۸.

۲. اسلامی، رضا؛ کمالوند، محمدمهدی (۱۴۰۱)، آزادی اجتماعات در نظام حقوق بشر و سیستم حقوق ایران، تهران، نشرمجد، صص ۱۹۸-۲۰۸.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

۲-۲. ایجاد موازنه میان حق برپایی اجتماعات و تأمین نظم و امنیت عمومی

یکی از چالش‌های جدی در خصوص برپایی تجمعات نحوه برقراری موازنه میان تحقق این حق و همچنین حفظ نظم و امنیت عمومی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر مسئله اساسی نحوه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی بدون اخلال در سایر حقوق و آزادی‌های اجتماعی شهروندان می‌باشد. در بحث برپایی اجتماعات دو گزاره‌ی مهم و کلی را می‌توان احصا نمود؛ نخست آنکه برخورداری از بستر لازم برای تضمین حقوق و آزادی‌های اجتماعی و امکان طرح و استماع مطالبات آحاد ملت، یک حق قانونی برای مردم است و دوم آنکه تضمین نظم و امنیت عمومی از جمله وظایف حاکمیت به شمار می‌رود. در موضوع محدودیت‌ها و چالش‌های حق برپایی تجمعات همچون «امنیت ملی»، «نظم عمومی»، «حمایت از بهداشت و اخلاق عمومی» و «حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران» بایستی عنایت داشت که این محدودیت‌ها نباید به نادیده‌گرفتن اصل حق مزبور منتهی شود و محدودیت‌های مذکور باید طبق قانون پیش‌بینی شده باشد، ضروری باشد و متناسب با خطری باید که پیش‌بینی شده است، باشد. ازاین‌رو ایجاد موازنه میان حق برپایی اجتماعات و تأمین نظم و امنیت عمومی یکی از چالش‌های مهم در خصوص اصل ۲۷ قانون اساسی می‌باشد و رسیدن به الگویی که متضمن هر دو عنصر فوق‌الذکر باشد امری ضروری قلمداد می‌شود و به همین منظور تنظیم‌گری روابط و ساختار اداری و ایجاد هماهنگی با مراکز امنیتی و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و همکاری و مشارکت قوا لازم است و تا زمانی که این تعادل صورت نگیرد قانون اساسی در بستر جامعه اجرایی نخواهد شد و طبیعتاً نمی‌توان بازخورد مناسبی دریافت نمود.[۱]

ساماندهی تجمعات و جلوگیری از اخلال در سایر حقوق اجتماعی به‌عنوان یکی از وظایف مهم و اساسی نیروهای انتظامی شناخته می‌شود لکن دراین‌خصوص تبیین حیطه وظایف و اختیارات نیروهای انتظامی امری ضروری است؛ چراکه در صورت عدم تبیین این مهم، مفسده‌ها و آسیب‌های بسیاری برای نیروهای انتظامی و نظام حکمرانی کشور ممکن است به وقوع بپیوندد. یکی از مهم‌ترین وظایف نیروهای انتظامی «حمایت از اجتماعات» و «صیانت از اجتماع‌کنندگان» است و بایستی اجتماعات به صورتی سامان‌دهی شوند که دیگران نتوانند حقوق این افراد را مختل سازند. به عبارتی وظیفه نیروهای انتظامی ساماندهی اجتماعات به نحوی است که اولاً این اجتماع با حقوق اجتماعی سایرین در تعارض نباشد و سبب اخلال در حقوقی چون حق تردد و... سایر شهروندان نشود و ثانیاً در طرف مقابل دیگران نیز امکان اخلال در اجتماع را نداشته باشند و نیروی انتظامی با صیانت از اجتماع‌کنندگان بایستی ایشان را

۱. اسلامی، رضا؛ کمالوند، محمدمهدی (۱۴۰۱)، آزادی اجتماعات در نظام حقوق بشر و سیستم حقوق ایران، تهران، نشرمجد، صص ۱۱۵-۱۲۰

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

در احقاق حقوق اجتماعی‌شان یاری رساند. بدیهی است که در چنین شرایطی وظیفه نیروهای انتظامی بسیار خطیر و مهم قلمداد می‌شود چراکه کمترین مشکل حادث شده در انجام مسئولیت ایشان می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد و از همین رو ساماندهی نیروهای انتظامی بایستی به نحو ویژه‌ای موردتوجه قرار گیرد.[1]

۲-۳. بروکراسی در اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی

اعمال برخی از بروکراسی‌ها و ایجاد موانع بر سر راه نحوه و مقدمات اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی یکی دیگر از چالش‌های جدی دراین‌خصوص می‌باشد. در خصوص نحوه تشکیل تجمعات، اساتید و اندیشمندان قائل به سه نظریه «مجوز محور بودن»، «اطلاع محور بودن» و «مطلق بودن» برپایی تجمعات می باشند. طرفداران نظریه «مجوز محور بودن» برپایی تجمعات بر این باور هستند که اساساً صیانت از سایر حقوق شهروندی مستلزم کسب مجوز برای برپایی تجمع است و متقاضیان یک تجمع بایستی از طریق درخواست مجوز زمان، مکان و محتوای تجمع را به نظر مقامات محلی رسانده و درصورتی‌که از نظر ایشان مانعی در جهت برپایی تجمع وجود نداشته باشد، متقاضیان می‌توانند نسبت به برگزاری تجمع اقدام نمایند. البته طرفداران این نظریه خود به دو قسم تقسیم می‌شوند و گروه[2] نخست که در اقلیت نیز می باشند اخذ مجوز را برای هرگونه اجتماع که بیش از نصاب مشخصی از جمعیت باشد الزامی می دانند درحالی‌که به عقیده طرف مقابل تنها برای نوع خاصی از اجتماعات همچون تجمعات سیاسی و اجتماعی بایستی اخذ مجوز صورت پذیرد.[3]

در مقابل طرفداران نظریه «اطلاع محور بودن» حق برپایی تجمعات بر این باور هستند که حق برپایی تجمعات بنا به ذات خود به‌عنوان یک حق ذاتی و طبیعی شناخته می‌شود و لذا بایستی برپایی تجمعات را از نظامات مجوز محور مستثنی دانست. از همین رو ایشان بر این باور هستند که تمامی طرح‌ها و لوایحی که این حق را مجوز محور تفسیر نموده‌اند در مغایرت با ذات این حق بوده و بایستی از تصویب آن‌ها اجتناب شود. ایشان بنا بر ضرورت صیانت از سایر حقوق اجتماعی بیان می‌کنند که برپایی تجمعات بایستی به اطلاع مقامات محلی برسند تا این مقامات بتوانند تدابیر لازم جهت صیانت از حقوق تجمع‌کنندگان و همچنین سایر شهروندان را به عمل‌آورند. البته معتقدان بر اندیشه اطلاع محور

۱. حقوق بشر برای پلیس (۱۳۸۹)، گرداوری توسط سازمان ملل متحد، مترجم: حامد صادقی صفت، انتشارات معاونت حقوقی و امورمجلس فراجا، صص ۲۵-۳۵.

2. Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly, Second edition, Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), 2010, P2.1

۳. رهائی، سعید (۱۳۸۹)، آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با رهیافت اسلامی، قم، انتشارات مفید، ص ۳۵۱.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

بودن برپایی تجمعات نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند و برخی از ایشان بر لزوم اطلاع‌دهی همه تجمعات تأکید می‌کنند و در مقابل برخی دیگر در درصد قابل‌توجهی از اجتماعات اتخاذ رویکرد اطلاع محور را نیز ضروری نمی‌دانند و معتقدند که تنها بخشی از اجتماعات - همچون اجتماعات سیاسی - بایستی به‌منظور برقراری نظم اطلاع داده شوند و بدیهی است که این اطلاع نبایستی به کسب تکلیف و مجوز تعبیر شود؛ بلکه این اطلاع ازآن‌جهت است که ارتباط صحیحی میان حق برپایی تجمعات و سایر حقوق برقرار شود و برپایی تجمعات به اخلال در سایر حقوق اجتماعی - همچون آزادی تردد و... - منتهی نشود.[1]

نظریه سوم مبتنی بر «آزادی مطلق برپایی تجمعات» است و طرفداران این نظریه بر این عقیده هستند که بنا بر اندیشه طراحان و مصوبان اصل ۲۷ قانون اساسی، حق برپایی تجمعات در هیچ حالتی نیازمند اطلاع‌دهی و یا کسب مجوز نمی‌باشد؛ بلکه هرگونه تجمع بنا بر نفس خود آزاد است مگر آنکه واجد یکی از دو وصف «اخلال به مبانی اسلام» و یا «مسلحانه بودن» باشد که در این صورت نیز چنین تجمعی اساساً ممنوع می‌باشد و حتی با اخذ مجوز یا اطلاع نیز نمی‌توان چنین اجتماعی را برپا نمود. بر اساس اصل «عدم تبادل منافع» در نظام حقوق بین‌الملل بشر، در سنجه حق و تکلیف اساساً تمامی حقوق برای مردم و شهروندان در نظر گرفته می‌شود و دولت صرفاً عهده‌دار تکالیف می‌باشد و از همین رو حتی مفاهیم استثنائی چون نظم عمومی یا امنیت ملی یا تزاحم حقوق و آزادی‌ها نیز بایستی با رویکرد «حق محور» تفسیر شود چرا که تمام موارد مذکور حقوقی برای ملت - و نه دولت - می‌باشد و لذا بایستی دولت‌ها در این موضوع رویکرد تماماً حمایتی داشته باشند و بر همین مبنا برپایی اجتماعات حق ملت و تکلیف دولت است و نحوه اجرا و برگزاری آن نیز تکلیف دولت است.

پس از بررسی و مداقه در صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی مشخص می‌شود که برپایی تجمعات بی‌نیاز از اخذ مجوز می‌باشد و تخصیص مجوز مربوط به اجرای تشریفات حق برپایی اجتماعات و رعایت نظامات به‌گونه‌ای که موجبات اختلال در بهره‌مندی سایر شهروندان از حقوقشان را فراهم نکند می‌باشد و از همین رو دو تحدید مندرج در اصل ۲۷ را با نظارت پیشینی سازگار نمی‌داند؛ چراکه دو تحدید مذکور، مفروض عقلانی اجتماعات و راهپیمایی‌ها است و این ادعا باتوجه‌به عدم درج عبارت مسالمت‌آمیز در متن اصل نیز اثبات می‌شود. مداقه در متن صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی و بحث و گفتگوهای بین اعضا به‌ویژه نظر صریح نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی -

۱. مستفاد از مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی»

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

شهید دکتر بهشتی - مثبت ادعای اراده و قصد مقنن مبنی بر اطلاع محور بودن اصل ۲۷ می‌باشد.[۱] البته در خصوص عدم الزام به اخذ مجوز برای برپایی تجمعات بایستی عنایت داشت که این مسئله به مفهوم هرج‌ومرج و برگزاری بدون قاعده و قانون تجمعات نیست؛ بلکه صرفاً برپاساختن یک تجمع را فارغ از فرایند اخذ مجوز توصیف می‌کند و این مسئله منافاتی با نظارت پسینی و رسیدگی به تخلفات انجام شده در قالب یک تجمع ندارد؛[۲] بلکه صرفاً بیان می‌کند که احتمال وقوع تخلف در یک تجمع مانع از حق برپایی تجمع نمی‌باشد و تخلفات احتمالی را نمی‌توان به‌سان عوامل محدودیت‌ساز این حق شهروندان تعریف شود.[۳]

۳. الزامات اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی

اجرای صحیح و قاعده‌مند اصل ۲۷ قانون اساسی مستلزم آن است که ابعاد مختلف این اصل به شیوه جدیدی نگاه شود و زمینه مساعد جهت اجرای این اصل در سطوح مختلف جامعه فراهم شود. این امر منوط به آن است که خلاهای کنونی باتوجه‌به واقعیت‌های موجود در جامعه بازتعریف گردیده و پس از آن راه حل برون رفت از چالش‌های مشروحه را بر مبنای واقعیت‌های کنونی تفسیر نمود. به‌منظور دستیابی به پاسخ مناسب برای حل چالش‌های موجود بر سر راه متجلی شدن حق برپایی تجمعات در نظام حکمرانی ایران، لازم است تامجموعه اقداماتی از قبیل «تلاش برای درونی سازی فرهنگ تجمعات»، «تسهیل برپایی تجمعات» و «توجه به ظرفیت تشکل‌ها» به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد و نظام حکمرانی کشور با استفاده از این ظرفیت‌ها سعی نماید تا برپایی تجمعات را به نحوی که در خور و شان نظام حکمرانی اسلامی باشد محقق سازد. البته بدیهی است که راهکارهای مزبور به عنوان یک نسخه جامع و نهایی برای این مسئله به شمار نمی ایند بلکه در صورت در کنارهم قرار گرفتن این راهکارها و راهکارهای مشابه می‌توان تا حدود زیادی از حق برپایی تجمعات صیانت نمود.

۳-۱. عدم تسری الزامات قانون احزاب به اصل ۲۷ قانون اساسی

در اصل ۲۷ قانون اساسی اگرچه تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، منوط به عدم حمل سلاح و عدم اخلال به مبانی اسلام، آزاد است لکن دیدگاه منفی برخی از افراد و دولت‌ها به این مسئله سبب شده تا

۱. صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۹)، ناشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلسه بیست وهشتم، ص ۷۱۳.

۲. فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه محاکمات بین المللی کیفری، تهران، شهردانش، ص ۳۹۶.

۳. بابایی، مهدی (۱۳۸۶)، آزادی اجتماعات در حقوق اساسی ایران، فرانسه و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ص ۶۹.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

سعی نمایند که این حق قانونی را از طریق برخی قیود در دام بروکراسی اداری بیندازد. اتفاقی که در قانون احزاب مصوب سال ۱۳۹۵ می‌توان نشانه‌هایی از آن را مشاهده نمود و این امر متأسفانه حاکی از است که در نظام اندیشمندان نیز برخی به دنبال صعوبت در برپایی اجتماعات هستند که این امر در نهایت می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش میزان اعتماد عمومی به‌نظام حکمرانی کشور منتهی شود.

نگرش ایجاد صعوبت و سختی در اقامه حق برپایی تجمعات گاه چنان صائب شده است که حتی الزاماتی چون لزوم اخذ مجوز برای برپایی اجتماعات که در قانون احزاب سال ۱۳۹۵ بدان تصریح گشته است در امری ناصواب علاوه بر اصل ۲۶ قانون اساسی – که ناظر بر احزاب می‌باشد – به اصل ۲۷ قانون اساسی که بیانگر حقوق ملت است نیز تسری می‌یابد لیک واضح است که از این امر بایستی احتراز نمود و برخلاف باوری که برخی از حقوق‌دانان دارند و حتی متأسفانه در رویه عملی نیز تبلوریافته است، برپایی اجتماعات در نظام حقوق کنونی ایران را بایستی آزاد و فارغ از بندهایی چون اخذ مجوز دانست و بر همین اساس نیز بایستی از تسری قانون احزاب به اصل ۲۷ قانون اساسی اجتناب صورت پذیرد.

۳-۲. لزوم توجه به احزاب و تشکل‌ها

حق برپایی اجتماعات فارغ از جنبه برپایی فردی، واجد جنبه گروهی و از طریق احزاب و تشکل‌ها نیز می‌باشد درحالی‌که در قانون احزاب مصوب ۱۳۹۵ با شرایطی که برای برپایی تجمعات احزاب در نظر گرفته شده است، عملاً این حق به‌صورت قابل‌ملاحظه‌ای محدود گردیده و به‌سوی سلب علاقه از احزاب در خصوص برپایی تجمعات حرکت نموده است. برگزیدن دیدگاه مجوز محور در قانون فوق‌الذکر اگرچه ممکن است مبتنی بر استدلال لزوم برقراری انضباط و امنیت باشد و نهادهایی که این امور را عهده‌دار هستند از لزوم اخذ مجوز برای برپایی تجمعات دفاع نمایند لکن این پرسش مهم وجود دارد که اگر حمایت‌های لازم از برپایی تجمعات توسط احزاب صورت نگیرد چگونه می‌توان این حق را برای آحاد جامعه اقامه نمود؟ به عبارتی اگر در یک جامعه احزاب به‌صورت فعال قابلیت حضور و بروز نداشته باشند و به دلایل متعدد با محدودیت‌های مختلفی مواجه گردند بدیهی است که آحاد جامعه نیز در تمسک جویی به حقوق خود ناکام خواهند ماند و لذا ازاین‌حیث لازم است تا نسبت به قانون احزاب و موانع موجود بر سر راه برپایی تجمعات توسط احزاب، بازنگری اساسی صورت پذیرد. شهروندان حق دارند در گروه‌بندی‌های گوناگونی با سرشت سیاسی، اجتماعی، صنعتی و اقتصادی و نظایر آن شرکت کنند. جلوگیری از تحقق این آزادی مباینت آشکاری با مفهوم آزادی دارد، مگر آنکه تجمع و گروه‌بندی به نظم عمومی مستقر گزندی برساند. سخت‌گیری‌ها و ممارست و دقت در تنظیم مقررات مربوط از سوی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

مقامات تصمیم‌گیر نمودار حساسیت موضوع در مرزبندی آزادی‌های فردی با قدرت دولت است.[1]

حق برپایی تجمعات اگرچه قابل مطالبه توسط هریک از شهروندان می‌باشد لکن تحقق و ظهور آن منوط به مشارکت گروهی شهروندان است و ازاین‌رو در مقام اجرا از آن به‌عنوان یک حق گروهی یاد می‌شود و بدیهی است که در چنین شرایطی قانون بایستی از ظرفیت‌های احزاب و تشکل‌ها در جهت برپایی تجمعات استقبال کند؛ چراکه باتوجه‌به سازماندهی این نهادها، تجمعات برگزار شده توسط تشکل‌ها می‌تواند راحت‌تر در مسیر نیل به نتیجه حرکت کند لکن نگاه قانون‌گذار بر خلاف اکثر کشورها مبتنی بر ایجاد محدودیت برای تجمعات احزاب و تشکل‌ها بوده است به‌نحوی‌که در قانون احزاب، برای تجمعات مشمولان آن قانون رویکرد مجوز محور اتخاذ شده است؛ لذا اصلاح قانون احزاب و تغییر دیدگاه قانون‌گذار نسبت به تجمع‌های برگزار شده توسط تشکل‌ها امری ضروری است و به نظر می‌رسد که بایستی به ظرفیت‌های تشکل‌ها در جهت تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی توجه ویژه‌تری صورت پذیرد.

۳-۳. پیگیری مطالبات متعرضان توسط دولت

مسئله مهمی که در موضوع برپایی تجمعات بایستی بدان توجه نمود موضوع نیل تجمعات به نتیجه و پاسخگویی مسئولان است و این موضوع اگر در لوایح و طرح‌ها موردتوجه قرار نگیرد می‌تواند کارآمدی آن‌ها را مخدوش نماید. اگرچه نفس برپایی تجمعات در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است لکن صرف برپایی یک تجمع به‌خودی‌خود امری نیست که حائز اهمیت باشد؛ بلکه آن چیزی که سبب می‌گردد تا برپایی تجمعات واجد اهمیت گردیده و موضوعیت داشته باشند آن است که تجمعات به مطالبه‌گری انجامیده و در پی مطالبه‌گری صورت‌گرفته شده، دولت و نهادهایی که مخاطب قرار گرفته‌اند اقدام لازم را انجام داده و گزارش عملکرد خویش در پیگیری مطالبات و خواسته‌های مردم را به اطلاع ایشان برسانند و بر همین مبنا پاسخگویی یا عدم پاسخگویی مسئولین به این مطالبات لاجرم بایستی واجد هزینه باشد تا از این طریق ایشان ملزم به پاسخگویی و پیگیری شوند و اگر در نتیجه عدم پاسخگویی و یا قصور و اهمال‌کاری مسئولین، تجمعات به خشونت کشیده شود مسئولین هم به علت عدم همکاری و پاسخگویی، نسبت به اتفاقات حادث شده شریک بوده و بایستی پاسخگویی اهمال و کوتاهی خود باشند.[2]

۳-۴. تبیین و نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق اجتماعات

فقر حقوق عمومی و عدم آشنایی آحاد جامعه با حقوق خود از جمله چالش‌های جدی نظام

۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشردادگستر، ص ۱۶۵.

۲. مستفاد از مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی»

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

حکمرانی به شمار می‌رود و عدم آگاهی مردم سبب می‌گردد تا بعضاً سوءاستفاده‌هایی نیز صورت پذیرد و از همین رو نیز ایجاد فرهنگ مطالبه‌گری و ایجاد پویش‌هایی که آحاد جامعه را با حقوق خود آشنا سازد امری مهم قلمداد می‌شود. عدم آگاهی کافی شهروندان را می‌توان یکی از علل عدم تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی دانست؛ چراکه بعضاً با استفاده از عدم اطلاع شهروندان به ایشان چنین القا می‌شود که صرف حضورشان در یک محیط و تجمع به‌مثابه جرم و مستوجب مجازات است و به همین دلیل ایشان ترجیح می‌دهند تا از حق برپایی تجمع به‌طورکلی صرف‌نظر و اجتناب کنند. ازاین‌رو بایستی برای دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌های مختلف تکالیفی را مشخص نمود تا به سهم خود گامی در جهت تحقق فرهنگ تجمع به‌صورت اصولی و کاربردی -علی‌الخصوص تجمعات اعتراضی - بردارند و شهروندان بتوانند با استفاده از این ظرفیت قانونی مطالبات خود را طرح نموده و به‌ثمررسیدن آن را پیگیری نمایند و در ضمن این آموزش‌ها و ارائه آگاهی، حدود و ثغور حقوقشان را نیز متذکر شد تا با افزایش آگاهی، شهروندان بتوانند حقوق خویش را به‌نحوی‌که شایسته است پیگیری کنند و با سوءاستفاده از عدم اشراف و آگاهی شهروندان به حقوق شهروندی، این قسم از حقوقشان مورد تعرض قرار نگیرد.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

۴. پیشنهادهای تقنینی اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی

اهم پیشنهاداتی که در خصوص اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی می‌توان ارائه نمود مبتنی بر این اندیشه است که اگر مقررات موضوعه فاقد جنبه کارشناسی چندگانه و چندوجهی باشد اساساً نمی‌تواند به شناخت صحیح نیاز کنونی جامعه منتهی شود و تا زمانی که نیاز واقعی جامعه کشف نگردد نمی‌توان علاجی برای آن در نظر گرفت. بر همین اساس ضروری است که دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان متعدد در علوم مرتبط اخذ و احصا شود تا در پرتو آن بتوان به یک قانون حمایتی به منظر اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی دست‌یافت. بدیهی است که اگر رویکردهای محدودیت‌ساز مسبوق، در قوانین آتی نیز غلبه داشته باشند حق برپایی اجتماعات نمی‌تواند به بروز و ظهور اهداف خود نائل آید و با گذشت زمان بایستی از آن به‌عنوان یک اصل متروکه یاد نمود که شهروندان علاقه‌ای نسبت به استفاده از آن ندارند و این موضوع ماحصلی جز تزلزل نظام حکمرانی در بلندمدت نخواهد داشت از همین رو بررسی الزامات تقنینی جهت اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی واجد اهمیت بوده و در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. ضرورت قانونمندسازی نحوه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی

یکی از ضعف‌های نظام آزادی‌های اجتماعی، عدم وجود قانون جامع در خصوص آزادی‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اجتماعی - همچون حق برپایی تجمعات - است و این مسئله سبب گردیده تا نه‌تنها معیار مشخصی در خصوص چگونگی ساماندهی این حق وجود نداشته باشد. خلأ قانونی در موضوع حقوق آزادی‌های اجتماعی به میزانی است که در خصوص این حق صرفاً آیین‌نامه تضمین امنیت اجتماعات سال ۱۳۸۲ و مصوبه تعیین محل اجتماعات سال ۱۳۹۷ وجود دارد که مصوبه اخیرالذکر نیز به تشخیص دیوان عدالت اداری خلاف قانون شناخته شده و دیوان آن را ابطال نموده است و تنها ابزار ساماندهی حق برپایی تجمعات که زمینه‌ساز تحقق بسیاری از اصول دیگر نیز می‌باشد، آیین‌نامه مربوط به سال ۱۳۸۲ است که این آیین‌نامه نیز چنان که شایسته است اجرا نمی‌گردد و این مسئله یکی از دلایل مهم متروک ماندن اصل ۲۷ قانون اساسی است و نتیجه این موضوع دورشدن از کارکرد مفید و مؤثر این اصل به‌عنوان یک پایه و عنصر اصیل اسلامی در حکمرانی شایسته و مطلوب شده است.

به جهت کاستن از چالش‌های موجود در موضوع حق برپایی تجمعات، قانون جامع مصوب شده بایستی در گام نخست میزان قیود و مفهوم آن‌ها را به نحو صریح مشخص کند تا در پرتو این مهم اولاً شهروندان به میزان قابل‌توجهی از حقوق و تکالیف خودآگاه شوند و ثانیاً حقوق نظام حکمرانی از تعرض در امان بماند. بدیهی است که در صورت عدم ابهام زدایی از مفاهیم مزبور و مشخص نمودن صریح قیود حاکم بر این اصل همچنان برخوردهای سلیقه‌ای با تجمعات برپا شده ادامه خواهد داشت و چنانچه بنا باشد برای مهار نمودن اعتراضات مختلف به اخلال در مبانی اسلام استناد شود این موضوع نوعی وهن به اسلام و مبانی آن خواهد بود. از طرف دیگر بایستی عنایت داشت که قانون مصوب شده بایستی در تناسب با اصول پذیرفته شده و تعهدات بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی ایران باشد؛ چراکه در صورت نقض اصول و قواعد فوق‌الذکر، اتهامات و ادعاهای واهی جدیدی در خصوص موضوعات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد شد.

۴-۲. تدوین اصول حاکم بر دادرسی پیرامون حق برپایی تجمعات

تدوین اصول و مقررات حاکم بر دادرسی پیرامون حق برپایی تجمعات از موضوعات بسیار مهمی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در ظهور حق برپایی تجمعات خواهد داشت و چنانچه آیین دادرسی اصل ۲۷ قانون اساسی به نحو مطلوبی سامان یابد، این موضوع اثر بسیار مهمی بر تحقق این اصل خواهد داشت. یکی از اصول مهم و شاخصی که در موضوع دادرسی پیرامون برپایی تجمعات بایستی موردتوجه قرار گیرد «اصل برائت تجمع‌کنندگان» است که بر اساس این اصل، تجمع‌کنندگان از اثبات مشروعیت تجمع خود معاف بوده و نظام حکمرانی بایستی اثبات کند که تجمع صورت‌گرفته شده بلاوجه بوده و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

ادعاهای مطروحه در آن فاقد صف صحت هستند. به‌عبارت‌دیگر نظام حکمرانی بایستی در مقام اثبات تحقق وعده‌های خود برآید و لذا نمی‌توان برای شهروندان تکلیفی پیرامون اثبات برحق بودن تجمعشان در نظر گرفت و ایشان را ملزم به دفاع از برحق بودن جمع برپا شده نمود؛ بلکه در این جا نظام حکمرانی کشور بایستی اثبات کند که در انجام تکالیف خود به نحو شایسته و مطلوبی عمل کرده و تجمع برپا شده و ادعاهای مطروحه در آن فاقد وجاهت بوده است.[1]

۴-۳. عدم محصورسازی روش‌های ارتباط با حاکمیت به برپایی تجمعات

یکی از موضوعات بسیار مهم در مسئله ارتباط شهروندان با حاکمیت، توجه به ساختارهای ارتباطی است و بر اساس «قاعده الاسهل فالاسهل» نبایستی نحوه برقراری ارتباط میان شهروندان و نظام حکمرانی کشور را صرفاً محصور به برپایی تجمعات دانست؛ چراکه در گذشته این روش به‌نوعی تنها روش ارتباط شهروندان با حاکمیت بوده است و امروزه بر اساس پیشرفت‌های حادث شده در علم و تکنولوژی روش‌های مختلف و در دسترس تری برای ارتباط شهروندان با نظام حکمرانی کشور می‌توان در دسترس قرار داد و از همین رو ضروری است که نظام حکمرانی کشور با استفاده از این ظرفیت‌ها امکان تجمعات و مطالبه‌گری‌های غیرفیزیکی را به نحو شایسته‌ای مدنظر قرار داده و با راه‌اندازی سامانه‌های ارتباطی، شهروندان را در احقاق حقوق خویش‌یاری رساند و چنانچه شهروندان از طرق ساده‌تر از بیان نظرات و یا اعتراضات خود نتیجه‌ای دریافت نکردند آنگاه می‌توانند به سایر حقوق خود همچون حق برپایی تجمعات استناد کرده و مطالبات خود را پیگیری نمایند.

۴-۴. استفاده از تجربیات بین‌المللی

به‌منظور دستیابی به یک قانونی که بتواند برپایی تجمعات را به نحو مطلوب و استانداردی تضمین نماید، بایستی نگاهی بر عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر - که به‌منظور صیانت از آزادی تجمعات در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأسیس گردید - داشت؛ چراکه دیوان مزبور در آرای متعدد و مختلف نسبت به قیود و شرایط حق برپایی تجمعات - همچون اخذ مجوز، مسالمت‌آمیز بودن تجمعات، اخلال در نظم عمومی، سطح متعارف اعتراضات، صیانت از حقوق و آزادی‌های دیگران و... - به اظهارعقیده و تبادل نظر پرداخته است[2] و استدلال‌های متعددی را در خصوص هریک از این

۱. مستفاد از مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی»

2. Joseph, Sarah, Schultz, Genny, and CastanT Melisa, The International Covenant on Civil and Political Rights, Cases, Materials and Commentary, New York, Oxford University Press, 200, P568.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

قیود ارائه نموده کرده است؛ ازاین‌رو استفاده از این تجارت و همچنین تفاسیر کمیته حقوق بشر می‌تواند در جهت دستیابی به یک استاندارد در این عرصه گره‌گشا باشد لکن این موضوع منافی آن نیست که نهایتاً قوانین و مقررات وضع شده بایستی با فرهنگ و واقعیت‌ها و اقتضائات کنونی کشور همسو بوده و نهایتاً حافظ اندیشهٔ حاکم بر اصل ۲۷ قانون اساسی نیز باشد و ازاین‌رو این آرا و تفاسیر می‌توانند به‌عنوان یک نقشه را در جهت نیل به قانون بومی مطلوب موردتوجه قرار گیرند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصل ۲۷ قانون اساسی از اصول مترقی و از مظاهر تبلور مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی است و این اصول از جمله اصولی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بین کشورهای اسلامی جز پیشرفته‌ترین قوانین اساسی در مقوله حقوق شهروندی و حقوق بشر قرار داده است. حق برپایی اجتماعی با متن کنونی که ذیل فصل حقوق ملت و در راستای حقوقی سازی آزادی‌های عمومی و اجتماعی وضع شده است، با باورمندی به پیشینه تمدنی و اسلامی ملت ایران در مقایسه با ادبیات مندرج در اسناد بین‌المللی دارای ارزش و اعتباری مبتنی بر اعتماد به فرهنگ مخاطبانش است. بااین‌وصف به دلیل فقدانِ قانون و مقررات ویژه این اصل، در قلمرو دو تحدید قانونی مندرج در این اصل شاخص و احصایی که هم از باب تنظیم‌گری به حاکمیت در حکمرانی کمک کند وجود ندارد تا بتواند به وظیفه قانونی مقام حقوق عمومی، در ایفای به تعهد مبنی بر تضمین و احترام به آزادی‌های عمومی و مشروع عمل کند و کارنامه کامل و موفقی داشته باشد و از سوی دیگر نیز حقوق و آزادی‌های عمومی مضیق شده است. بنابراین حقوق دو ضلع هم مقام حقوق عمومی وهم ذی‌نفع قلمرو قانون و درخواست‌کننده اعمال حق اعتراض رعایت نشده است.

درحالی‌که مرزبندی و قلمرو قانونی دو اصل ۲۶ و ۲۷ در متن و مطلع اصل ۲۶ و نیز انتهای آن به‌درستی تعیین شده است؛ اما تحلیل مبتنی بر مهندسی خطی اصول قانون اساسی اشتباه راهبردی است که تاکنون مسئله‌آفرینی کرده است. در صدر اصل ۲۶ قلمرو آن تصریح شده و در انتهای اصل با عبارت دقیقی اصالت را از محصور کردن اعتراضات در قالب گروه‌ها و شخصیت‌های مندرج در همین اصل نفی کرده است و بر اساس این قسمت از اصل ۲۶ برای تجویز قانونی اعلام اعتراض اجبار مردم به اخذ مجوز در چارچوب قوانین موضوعه احزاب مضیق کردن حقوق و آزادی‌های مشروع است و نمی‌توان خلأ قانونی را با قانون دیگری که قلمرو آن مضیق و خاص است محدود کرد. مضافاً اینکه وجود احزاب واقعی و شناسنامه‌دار خود مسئله دیگری است که در مقابل کنشگر معترض و حقیقی پدیدار می‌شود، با فرض وجود احزاب و انجمن‌ها نیز به عبارتی مردم برای اعتراض می‌بایست در چارچوب یکی از افراد حقوقی موضوع اصل ۲۶ قرار گیرند که این خود در جهت نقض اصل ۲۶ و آزادی‌های مشروع است. ضرورت تقنین برای اصل ۲۷ به‌منظور تعیین هویت مقام صالح در تشخیص دو تحدید مندرج در آن برای اینکه به بهانه تحدیدات حقوق و آزادی‌های عمومی تهدید نشود، مستند به قسمت اخیر اصل ۹ قانون اساسی یک ضرورت تکلیفی و قانونی است لیکن تاکنون ایفای به این اصل نیز به دلیل فقدان قانون به طور کامل محقق نشده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

در مسئله تقنین بدیهی است که این موضوع باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ نظام تحدیدات مشروع اصل آزادی تجمعات را مخدوش نکند و قانون فصل‌الخطاب باشد و آزادی‌های عمومی به بهانه تحدیدات قانونی، تحت تفسیرهای سلیقه‌ای مورد تعرض واقع نشود و ازاین‌رو مداقه در اصول مبنایی و پایه‌ای قانون اساسی بهترین طریق برای اجتناب از تفسیرهای تک ساحتی امنیتی و کم‌توجهی به‌نظام آزادی‌های عمومی و مشروع است. مداقه در اصل هشتم قانون اساسی که مبتنی بر نظام سیاسی و بینشی اسلام اعتراض را از باب دعوت به خیر وظیفه سه‌گانه و سه‌ضلعی تعریف کرده است و در ادامه با مفهوم اسلامی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به بروز بیرونی این وظیفه تمایل دارد، بن‌بست و انسداد تصمیم‌گیری در حوزه اجرا را مرتفع می‌کند و اساساً تحلیل و تقنین برای اجرای اصل ۲۷ باید ناظر به این اصل باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منابع

۱) اسلامی، رضا؛ کمالوند، محمدمهدی (۱۴۰۱)، آزادی اجتماعات در نظام حقوق بشر و سیستم حقوق ایران، تهران، نشرمجد.

۲) بابایی، مهدی (۱۳۸۶)، آزادی اجتماعات در حقوق اساسی ایران، فرانسه و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

۳) حقوق بشر برای پلیس (۱۳۸۹)، گرداوری توسط سازمان ملل متحد، مترجم: حامد صادقی صفت، انتشارات معاونت حقوقی و امورمجلس فراجا.

۴) خلخالی، فرید (۱۳۸۳)، نظام عمومی و آزادی تجمع و تشکل، نشریه حقوق اساسی، دوره (۲).

۵) رهائی، سعید (۱۳۸۹)، آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با رهیافت اسلامی، قم، انتشارات مفید.

۶) صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۹)، ناشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

۷) طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۸) فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه محاکمات بین المللی کیفری، تهران، شهردانش.

۹) قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، نشر شهردانش.

۱۰) قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشردادگستر.

۱۱) مجموعه نشست های مرکز پیگیری حقوق و آزادی های اجتماعی نهاد ریاست جمهوری در موضوع «اصل ۲۷ قانون اساسی».

۱۲) مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، انتشارات شورای نگهبان.

۱۳) نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل.

۱۴) هاشمی، سید محمد (۱۴۰۰)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشرمیزان.

15) Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly, Second edition, Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), 2010.

16) Joseph, Sarah, Schultz, Genny, and CastanT Melisa, The International Covenant on Civil and Political Rights, Cases, Materials and Commentary, New York, Oxford University Press, 2000.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۶

پاد، سکینه السادات؛ ابراهیمیان، حجت اله؛ حسینی، سیدمحمد (۱۴۰۳)، «آسیب‌شناسی و الزامات اجرایی‌سازی اصل ۲۷ قانون اساسی به عنوان یکی از ابزارهای مشارکت سیاسی مردم در جمهوری اسلامی ایران» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۲، تابستان ۱۴۰۳، صص ۱۵۸-۱۳۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]